

اختصار

۱۲۹۲

مطبعه و اداره خانه درخان والده دروازه
مخصوصه است

مکتوبی که برای درج کازت با اداره داده
شده و مطبع نشود بصاحبش رد نخواهد شد
مکتوبی که اجرت پست آن داده نشده
است از جنب اداره قبول نخواهد شد

پست سالنامه شش مجیدیه
شش ماه چهار مجیدیه سفید
کیسه سفید ۴۰ پاره رایج است
اجرت پست سالنامه در دانه سه و برای
خارج شش مجیدیه سفید افزوده خواهد شد
غیر از روزهای جمعه و یکشنبه همه روزه
مطبع و نشر خواهد شد

این کازت از حوادث کوناگون و از سیاسیات و پرنیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت هر گونه مواد مفیده عامه بمانا قبول و مطبع خواهد شد
از اماناتی که در ضمن حوادث نوشته شود بر سطر و غرضش و از امانات عادی بر سطر و غرضش اخذ خواهد شد

اختصار مخصوص

در نسخه پیش شرحی در خصوص بی نظمی امر
توزیع نسخه های اختر نوشته و عذر تغییر فیثات
نسخ ما را خواسته بودیم
چون تناسب ارتباطی که در میان جله کازتها
باید باشد در ابتدای آغاز بطبع و انتشار (اختر)
مقرر شد که بولایات و ممالک محروسه عثمانیه که در آنها
کازت روزنامه مطبع میشود هر کدام یک نسخه
فرستاده شود و این کار و زحمت را بصرفه ای افندی
مدیر قرائخانه در بایزید داده و منتظر بودیم که
نتایج مأموله از این حسن نیت و رعایت حق برادری که
با کازتهای دیگر میباشد حاصل گردد و تا امروز که
پست نسخه از این کازت بیرون آمده است روز بروز
بافندی مومی الیه تسلیم شده است که ارسال بولایات
مزبوره نمیدانند ولی چون از اکثر ولایات جوابی شنیده
نشده و عوضهای آنها که میبایست پیشتر از همه کس
بازدار (اختر) برسد تخلف از روزهای معین
پوست نمود و بعضی هم هیچ نرسید و این کار باعث
خیال و موهم بی نظمی کار بود (لهذا) بعد از اینها
بجود ولایت که رابطه با ما دارند جداگانه فرستاده
شده و باین هم بوسایل ممکنه اعلان خواهد شد
که هر کدام طالب باشد در ضمن روزنامه خودشان
درج کرده و آن نسخه را برای ما ارسال دارند که این
قره هم در تحت لئقاعده و نظمی بوده باشد

حب وطن

آدمی باین آفرینش گرامی و هوش و ادراکی که
در نهاد او است خلی نقل دارد آدمی هر درجه
بالتری از عقل و ادراک که برتری می جوید
و مقامات خود و اینانی جس خود را مشاهده می
نماید می بیند آنچه نمی تواند بحقیقت بفهمد
زیاده تر از آن است که بدانش آن اقتضای حاصل
کرده است و نیز اگر نسبت داده شود بکسانی
که هنوز بدرجه فهم و آگاهی او نرسیده اند دیده
خواهد شد که چه قدر فرقا و تفاوتهاست میان او
که خود بقصور و نقصان ادراکات خویش معترف
است یا کسی که دریافته او بهره مند از مزایای
علوم و آگاهیها شده است

عجب این امت که آدمی هر قدر برداش و آگاهی
خود می فراید نه تنها بجهت بسیاری شعبه های علم

بل بعلت آشنایی و ربطی که بعالم بهنا و رعی پیدا
می کند و بی پایان بودن آنرا مشاهده می نماید
اعتراف بعجز خود آورده و می بیند درجات بسیار
بلند و شایخ الازکان دانش و فرهنگ را که کند
او هام و خیالات هنوز در کفره نخستین آن بدرستی
جای نکرده است و می بیند که بالاتر از هر صاحب
علی داننده هست این است که فرموده اند
هر مقداری که ایشان را از جهت علم برتری
بدهم همان مقدار در ایشان علم و فروتنی خواهیم نهاد
چون این کلام مقدس تکرار شده شود خواهیم دانست
علی که از خصائص نخستین آدمی است چه مقامی
دارد و بواسطه این خواهیم فهمید که آدمی
و مقام بلند او و افتخاری نقل دارد

آفرینش آدمی خیلی نقل دارد سخنها که گفته
می شود باقتضای مقامات و منازل و اعتبارات است
اگر اعتبارات نباشد حکمت باطل خواهد شد
سخنهای چون بوق منزل افتاد
در افهام خلایق مشکل افتاد

نقل سخن بوطن

سخن در وطن بود و محبت وطن چنانکه در نسخه
پیش گفته شد سخن چند درباره وطن باقتضای
حال بگویم و چون معانی بلندی در ضمن
این مطلب تواند بود و حیث است فوت
نشود این است که قدری باریک شدن فهمها را
باید همراه کرد و معاویت خواست که حتی الامکان
داد مطلب داده شود

آدمی وطنهای چند دارد که همه آنها را طبعاً
دوست میدارد و دوست داشتن آن وطنها نیز
میر کوز در نهاد و فطرت او است زیرا وطن خود
اوست شون او است اطوار او است بقای او
و شرف و افتخار او است و کافل حیات و وراثت
زندگانی او است

وطن چند گونه است

بعضی از این وطنها اوطان معنوی و روحانیه است که
پای آنها وجهات ارتباط و نسبتهای آنها را باین
عوامل جسمانیه و بشریه باهل آنها و مقام بیان
آنها و اگذار می کنیم و از آنجا که گذشتیم

اطوار و وطنهای دیگر و وظیفه خود را درباره
هر کدامی دانستن لازم است

جوهر انسانی که لطیفه ربانیه و مظهر تعجید
و تفرید است و آنست که مبتدایه تمامی نسبتها
و اضافتها است و بفارسی آریه (من) تعبیر
میکند و گویند وجود من حیث من عقل من
جان من روح من و مانند اینها که این من
حاکم و رئیس جله اینها است و همان است که
میگویم خیلی نقل دارد منزلتهای بسیار برای
او هست که در مقامات سیروس و سیاحت خود
در آن منازل آرام گیرد و آن منزلها را افاشگاه
و محل انس خود نماید و آن منزلها را وطن خویش
شناخته بسط بساط شرف و افتخار و عزت
و جلال خود را در آنها کرده از آثار مزایا
و کالات هر کوزه در نهاد خویش ترا بقدریکه
میتواند و چندانکه مقتضی باشد ظاهر
میسازد ولی در هر مقامی که هست از شدت
انسی که بمنزل خود حاصل میکند و بعلت
اختلاف اوضاع منزلها و درجات بسیار متفاوت
آنها و اوزا از مقامهای دیگر و از پرداختن آنها
غالباً نوعی غفلت و فراموشی حاصل گردد

از منازل اولین این جوهر الجواهر امکانی درین
عالم ظاهر بقدرت توانائی علی الاطلاق
بظهور بسیار لطیف این حیویات و مبیوهات و نباتات
طبیعه است و آنچه قابل و مناسب اکل آدمی است
که غذای آدمی میشود از هاضمه گذشته
از نفس کیلوس و تعقیب کیوس باصطلاح اهل فن
خودمان صافی و خالص گردیده و منطقه شده
از صلب آیه و پدران مرور کرده در رحم مادرها
آرامگاه سازند و بتقدیر معلوم مقدر شود
و صورت اصلیه خود را حاصل کند و باقتضای
تدبیر حکمت صانع توانا باین عالم شهود پای
گذاشته باخرین مقامات خود از منازل عالیه
میرسد

که اکنون سخن ما در اینجا است و فهمیدن وطن
بودن اینجا است زیرا که منزل حاضر ما اینجا
است و تدبیر امور این منزل نخستین وظیفه
ما است چه فهمیدن منازل عالیه را که از آنجا
آمده ایم و همچنین درک مآل احوال و مصیر
خود را پس از تدبیر این منزل و دانستن حقوق آن

و ایفای حق وطن پرستی درباره آن باقتضای
همت خودمان توانیم حاصل کرد و این
وطن قوام و مظهر اوطان غریبه است این یکی
مانند تن است و آنها جان و بدیهی است جان را
محل قیام ظهوری بل قام رکنی تن است فنی
بل زانداست و تن همانا حرفی از آن کلمه جامعه
است که آن کلمه هیکل شریف انسانی است پس
توانیم گفت تن جان وجود ندارد چه اگر
از کلمه ایجاد دال را برداریم ایجاد نیست

و الحاصل این انسان عزیز مکرّم که هیکل مستقیم
و معتدل است و مظهر جله کالات و فضائل نهاد
بلك او است چون باین عالم شهود جسمانی آمد
و نشو و نما کرد و خود را فهمید و آنچه در قوه
و استعداد خود داشت آغاز بیروز و ظهور و ابراز
و اظهار آن کرد نخستین تکلیفی که برای خود
تصور تواند نمود تدبیر منزل خودش است
که این منزل را وطن نام نهاده ایم و بر حسب
اختلاف اعتبارات و نسبتها و اضافتها
اطوار آن مختلف و آثار آن متفاوت خواهد
بود

کسی که در ملک ملکی و در يك نقطه از نقاط
کره زمین زاییده شد و در آنجا نشو و نما کرد
و واضح است که حقیقت این وجود و تن و هیکل
او از حاصل آن ملک بوده و از حاصل آن
ملک تربیت یافته و با حاصل آن ملک زندگانی میکند
که این محل زاد و ولد او است و وطن و لادنی
است و این یکی هم جای دقت است که حقیقه
محبت این وطن چنان طبیعی و فطری است که
انسان در ایجاب بی اختیار است اگر در غربت
هزار گونه آسوده کی داشته باشد و در میان
هر قسم ناز و نعمت بسربرد باز چشم خود در آن
وطن مولدی است و بی ادبی این شعور نیز
که اولاد در بی شعور داشته و میباید این شعور نیز
در آن مولد بوده باشد یعنی در بابت تولد بلا
فاصله از آنجا دوری حاصل نکرده باشد و جندی
در ایام صباوت در آن مولد بگذراند که این هم
در تحت يك حکمت است چنانکه این مولود
مکرّم که نام آنرا انسان گفته ایم از روز ولادت
تا بمقام رشد برسد دو گونه نشو و نما دارد یکی
از جهت تن است که روز بروز بزرگ شد بعد اعتدال

انسانی میرسد . و دیگری از جهت شعور و ادراکات است . که در آن خالص صفتی مایه . و استقامت فطرت . با انانی جنس خود انش و لغت گرفته و هر چه در آنها می بیند . از اثر تربیت انانی و وطن خود . متأثر و جنبه آداب و اخلاق و کردار آنها (کائنات فی الخیر) در وی جای گیرد .

(معروضه)

خوشحال مولودی . که در مقام طفولیت . و حال سلامت فطرت . وین طبیعت . و ساده کی مزاج . تربیت او در میان نیکان باشد . از تربیت شده کان به نیکبختی تربیت گیرد . ادب را از مودبان آوزد . با موثق دانش . و فرهنگ . و علم . و حکمت . و ادب . قدم به ادراج انسانیت گذارد . همچنانکه شرافت صورت انسانیت را تا این علم آورد است . معنی انسانیت و آدمیت را نیز همراه خود کند .

و بدین حال مولودی که در زمان طفولیت از نادان تربیت یابد . از بی ادبانه روش آسوزد . برنا اهلان نامی جوید . و این صورت مستقیمه انسانی را . آورده بناراستها و بکجا کند . صورت انسان . و معنا کراهت از انعام و حیوانات باشد

بالجمله انسان در حال طفولیت که بدو وجهه در یک موطنی نشو و نما و زنی بدنی و شعوری حاصل کرده است . یک محبت مخصوصه با نجا و آن اهل در نهاد او . ثابت و برقرار شود . و اگر چنانچه در حال صباوت و جوانی . و با بعد از آن در غیبه مولود خود . بمرورده و با آنکه اسباب معیشت و زندگانی خود را در آنجا حاصل نماید و حیوة و زیست خود را در آنجا قائم دارد این یکی هم برای او وطن است و خواهد بود .

اینجا وطنهای خصوصی است . از اینجا که گذشتیم یک وطن عمومی داریم که آنهم تخیلی کره زمین است . که وطن نوعی است و جمله انانی بشر درین وطن هم وطنی مایه باشند . که اکنون درین باب سخن گفتن مقصود نیست . فقط بجهت این است که اشاره بان شده و ارتباط نوعی علم و حکمت معلوم گردد .

بنی نوع ما چنانکه در بیشتر و ادراک ما است . در اطراف این کره زمین . بملت انسانی که مقتضی شده . و با بعت جهان و زندگانی آنها باعث گردیده . با اختلاف زمانها و وضعها . تمدن و تعیش و زیست خودشان را . فرقه فرقه و شعبه شعبه کرده . و هر کدام یک قطری از کره را مالک شده و آن قدر و بار چسب مسکونه خود را برای خودشان وطن مخصوص نموده و آن وطن را بمنزله پدر و مادر خود شناخته اند . و خودشان را اولاد و فرزندان آن دانسته اند . و فی الواقع چنان است که کرده اند . و همچنینکه میان وجود و همتی خودشان را . از تالیف آن وطن دیدماند . و وطن را کفیل زنده کی و زندگانی خودشان . و بقای نسل و وارثان زندگانی خودشان یافته اند . سهل است که دیده اند این وطن چنان عز و ریاست و چنان همت است که حفظ حقوق آن . و رعایت شرف و نلدوس آن . مقدم بر جمیع ملاحظاته است . بطوری که باید

فرزندان وطن جانها و مالهای خودشان را . در راه آن صرف کنند . برای حفظ شرف و ناموس وطن . هر گونه مشقتها و تعبها را تحمل نمایند .

اکنون وطنی که عقد داریم و سخن از آن میکنیم و بوجوب قیصر مسکون و قطعته متوطنه . و افراد و اشخاص اهالی و سکنه . و از کان و رجال هیئت حاکمه و محافظه (یکون) یعنی حاصل معنی وطن است . و وطن عین مجموعه این والدین و اولاد است . و هر کدامی از این اجزای سه گانه کایه وطن نوعا و افرادا حقوقی دارند . که باید رعایت آن حقوق بعمل آمده و مناسبات و روابط آنها به دیگر معلوم . و وظائف هر کدامی محدود و معین شده . حفظ آن روابط و ایضای آن وظائف هم از روی آگاهی و راستی و استقامت و آزادی و اتفاق و اتحاد بعمل آید . تا داد وطن پرستی . و حب وطن داده شود .

حدود و وظائف مذکوره نوعا معلوم است . ولی ما نیز بخواهست خدا بقدریکه می توانیم و وظیفه خود در مقام ایفای وظیفه حب وطن میدانیم . در آنکه بعضی اطراف مطلب مبدرت کرده . و بجهت موفق شدن به این مقدار خدمت با نای وطن خود را بختیار میدانیم .

اعلان رسمی

در خصوص رسم بیعه سیکاره و انقیاد و توثوق دهانی (به آخر توثوقی معروف است) که از مال خارج باشد . چون در هر سال موافق حکم نظامنامه آن . قیاسا یک لیرا یک لیرا و نیم گرفته میشود . و از روی احکام ماههای شصت و هفتم و شصت و هشتم . میباید در هر سال پیش از حلول ماهمارت داده شده . و تذکره بیعه گفته شود . و کسی که این صنوع متاع را خواه تنها و خواه دو یا سه نفر معا میبایر و بشد باید یک لیرا و نیم بدهد و غیر ازین اگر بایکی یا دو یا سه از اسباب مذکوره انقیاد یلی را هم بکری بخواد بفروشد برای آن هم جداگانه یک لیرا باید بدهد . و برای این هم تذکره جداگانه داشته باشد . و اگر چنانچه تا دوشول ماهمارت یک دکان و مغازه معلوم بشود کاند کره آنها گرفته نشده است . موافق ماده هشتاد و هشتم نظامنامه مذکوره . آن کونه دکان و مغازه بسته شده و هر چه رسم بیعه است دمل آن بتوان اجرای نقدی گرفته خواهد شد . لهذا جهت دانسته شدن این فقرات و عمل کردن بمنتهضای آن اعلان میشود . که هر کس از دکاندارها و صاحبان مغازه . که باید بقرار مسطور فوق رسم بیعه خود را داده تذکره بکند . در آلتای ماه شباط که قبل از دخول ماهمارت است رسومات لازمه خودشان را داده و تذکره سه هزار و دویست و نود و دو را دریافت دارند .

روز شنبه گذشته دو واپور از سمت حجاز آمده . یکی از واپور های روسیه . و در آن بقدر هفتصد نفر از حجاج ذوی الانیاج بودند . و دیگری از واپور های انگلیس . و در آن نیز یکصد و پنجاه کس

از حجاج مومی الیهم بوده اند . و این از اهالی ممالک محروسه عثمانیه و از تبعه دولت علیه ایران و اهالی داغستان و قفقاز بوده اند .

هونگری نام واپور کومانی لویڈ . که از واپورهای بنادر هندستان است . در رکشتن از بی بی جمعه رفته . و بقدر چهارصد و پنجاه کس از حجاج را برداشته است . و باقی خیر تلکرافی که از انیم شده بود . امروز بلیان اسلامول وارد خواهد کردید . واپور مذکور در انیم بجهت جزئی صدمه که بقازقان آن رسیده بود . است . قدری زیادت در آنجا معطل شده است . نواب مستطاب اشرف والا فرهاد میزا معتمد الدوله دو واپور مذکور فوق امروز وارد اسلامبول و در سفارتخانه ایران منزل خواهند فرمود .

پولیتیک

غاله هرسک

غاله هرسک را بنا بر تصدیقاتی که موجود است تمام شده میدانیم . راست است . روزیکه این مسئله بیان آمد . تماشاچیان منظره پولیتیک . هر روز بکرنی را میتوانستند رآه بینند . و روز این مطلب در موقعی اتفاق افتاد . که مسئله را از بعضی جهات در نظرها بزرگ کرد . ملاقات سه اعیان واپور بزرگ . قطعه نیت اتفاق تا بین صلح و آسایش عمومی بود . واقعا که همین طور هم قرار اتفاق گذاشته شد . چنانکه آثار اینهم در نهامه پیش در فقره آماده شدن دولت آلان و فرانسه بچک و در تانی با نظار دولت انگلیس و توسط دوستان اوستریا و روسیه موقوف شدن این چک دلیل بزرگی بود . و وقوع آن اتفاق چنانکه در تریه و لهر بیان آکر کریم لکن هر دوئی که میخواهد آسایش کفتر بزرگ دنیا را هر ملاحظه که هست نگاهدارد . قوه حریت خود را هم باید موافق و مستعد حفظ این نیت بزرگ دارد . خصوصا که ظهور علام دشمنی نا که اینها نیز از مدنظر خود نتواند دور کند . و از آن طرف دولت روسیه که اسفاده از چک دولتی فرانسه و پروسیا کرده . آزادی بحر سیاه را در خارج مدلول عهدنامه پاریس برداشت . میخواست استقامات بنا در قلمه جات سواحل و قوه بحریه در دریای سیاه را بحال اول خود بیاورد . و در این ضمن مشغول بعضی مذاکرات در آن سامان بودی .

درین اثنا شورش هرسک بنا کهان و بلا مقدمه بیان آمد . و کار با کثرت پولیتیک شناسان چنان مشبه شد . که اعتقاد کردند وقوع یک اتفاق بزرگ و مخفی را در میان دول مله مشارا بهم . یا دولتی روس و آلان . که در هر دو صورت مال آن اتفاق پنهانی اگر میتوانست بشود برای دولت علیه عثمانیه مضر میتوانست بود . و تصور این دو گونه اتفاق هم اجمالا در نزد همه کس از پولیتیک شناسان مبرهن و مفصل بود .

کار بکطوری اتفاق افتاد . که امارت صربستان نیز باور کرد وقوع همچنان اتفاق مخفی را . و اهالی قره طاغ و دالماتیا نیز . بکفتری از بابیت هم جنسی و هم مسکنی . و عده هم خیال اینکه این کار ما و اعانتهای آشکاری ما با بغیان و اهل شورش

موافق رضا و مسئولیت آن اتفاق و باعث پیشرفت آن اتفاق است . بهر قسمی که توانستند آغاز با عانت و حمایت و تقویت از شورش هرسک نمودند .

کار حاکمی پیدا کرد که دولت اوستریا با همه دوستی . و هم عهدی . و حقوق شناسی . که در باره دولت علیه عثمانیه دارد . نتوانست اهالی دالماتیا و حوالی آن سامان را آشکارا و به سختی از حمایت باغیان منع کند . زیرا که هیچ استدعا نداشت خیال واهی و بی اساس اسلاوها بکدغه قوت بکند . همه آن صفحات را با غشاش بیندازند . و مایه مشغله بزرگی هم برای خود دولت اتریش بشود . اگر چه دولت اتریش میدانست زعم اینها باطل است . لکن چه فایده معرض کار را خطرناک دید . و کونت اندرانی تدبیر توشن لایحه را پیش انداخت . سفیر کبر دولت مشارالیهام موافق اعتقاد ما با بعلی را از نیت صادقاته دولت متبوعه خود آگاهی داد .

وقوع این اتفاق مخفی که نزد بعضیها مظنون بود . از جمله کارهایست . که میبایست بیامون تصدیق آن نکشت . بعلت اینکه اگر اتفاق در ضد و ضرر دولت اتریش بودی اتفاق روسیه و آلان چه فایده می توانست بدهد . حال آنکه این اتفاق اساسا و بجهت چند در میان دولتیین بوقوع می توانست بیاید . و اگر بر مقتضات اتریش عنوان می شد دولت اتریش بقیه منافع موجوده خود را ترك نمیکرد . بل باید منافع موهومه خود یا رفقای خود . زیرا که میدانست ممکن است همه اسلاوها داخل در مسئله شورش شوند . و آنچه منفعت تصور شده بود . عین مضرت گردد .

پس در هر حال دولت اوستریا را حقیقه خبر خواه دولت علیه عثمانیه میدانیم . زیرا که منافع او با منافع عثمانیه در این مرحله مشترکست . و مخصوصا درین مسئله بطوری باید محافظت خود را از مخالفت بتناع عثمانیه نماید . که هرگز جهت تبیین افکاری محسوس نشود .

بعد از آنکه صربستان و سایرین معلوم کردند که این سخنها و اتفاقاتی کونا کون از شهرتهای کاذبه اسلاوها و شریک فساد آنهاست . که قوت میدهند با آنها بقرائن تمارکات جنکی و مانند آن که دولتیین روس و آلان در حال خودشان داشتند .

و ازین طرف با بعلی شدت تمام . بنای اجرای احکام فرمان همایون اصلاحات اخیر را مقرر داشت . و بعد معلوم شد که اساس لایحه در خارج آن نبوده است . و آنهم در مجلس خاص و کلا تصدیق شده و راه حرفی بجهت کسی نماند . این است که دولت آلان برای سدره اینگونه ظنون واهی علانی اقدام کرد . و آشکارا رخصت به بیرون بردن مال و حیوانات از خاک المان داد . که این یکی صریح دلیلی است بر آنکه در بهار آینده مسئله در میان نیست . و برنس بمارک نطق نکند بر آمیری در حق کارتهایی که نشر اراجیف جنگ میکنند بیان کرد .

برنس فورچیفوف بکومینه های اهل شورش صربجا اخطار کرد که باید اهل شورش سلاح را ترك کرد و منتظر اصلاح حال خودشان باشند . دولت اتریش هم باین راه گرفته حبس کرد بوالی دالماتیا صربخ خبر فرستاد که دست از اطاعت

عاصیان بردارد . صرب آرمی یافته در جای خود خصوصیت با والی هره خویش گذاشت که این شورای ملت بکسرش بکشد و خواهش ادا کرد . مطالبه تقوا و وجود و مدبر خریسه در بجا کرد که پولیتیک امارت پوت است . بمارستان باستقامت نام . در عهده داری . و حقوق کرده . هر چه از عاصیان . بدست و در مجلس شورای از اعضا است از پولیتیک دولت در خص مشارالیه در جواب نه از طرف اتریش و باید بشود .

و لخالص رنگ مسئله و دروغهای اسلاوها و که به بعضی حالات و وقرائن دیگر قوت میبرد محدود شد . اکنون امید و سرمایه باقی بشارا بر سر خود جمع و بدخواهها را که بجهت بیان انداخته می آورند . بکلی در وطن مسکون و بادشاهی که قطعاً آنهاست آمده ملتی آن پادشاه عدالت آگاه دولت اتریش هم در ح و امروز باین درجه حقوق شناسی را حفظ منافع حایه و آید صرفه کار خود را خواهد داشت .

کازت (فرات) که از طبع و شراخته ایشان لطفا اظهار اینها مخصوصا ع کرده و درین ضمن بنده و بانشار اختر یاداره کازت مذکور از تسامح و ساطع ایضا قاعده دیگری پیش بموجب اخطار مخصوص همچنین کازت و لای تسخیمهای اخذ تا ۱۹۹۳ تبریک اختر با آنها رسیده است بعد ایشان مطلب فوق تسخیمهای اخذ تا

عاصیان بردارد. صربستان تکلیف خود را در جهت آرامی یافته در جای خود نشست. و قره طاغ هم بنای خصوصیت با والی هرک و مأمورین دولت متبوعه خویش گذاشت که این تفصیل را در ثانی خواهیم نوشت. شورای ملت بکیش بعضی مذاکرات پنهانی کرده و خواهش اداره حربه را در خصوص مطالبه تقوای و وجوه نقدیه قبول نکرده رد نمود. و مدیر حربه در مجلس شورای ملت بیان کرد که پولیتیک امارت پولیتیک صلح و آسایش و بیطرفی است. مجارستان همانطوریکه از روز اول با سقامت تمام در حفظ شرائط هم جوارى و عهد داری و حقوق شناسی بودند تا آخر ایستادى کرده. هرچه از خارج تدارک و ملزوماتی برای عاصیان بدست آنها می افتاد ضبط کردند. و در مجلس شورای ملت مسیو (پاشولای) که از اعضاست از رئیس مجلس سوال کرد. که پولیتیک دولت در خصوص هرک چیست. مشارالیه در جواب گفت. شورش هرک را نه از طرف اتریش و نه از طرف مجارستان معاونت باید بشود.

والحاصل رنگ مسئله از این تفصیل ظاهر شد. و دروغهای اسلاوها و شبهه های مردمان هنگامه جوی که به بعضی حالات و تدارکهای دولتی المان و روس و قرانی دیگر قوت می گرفت. همه آشکار گردیده تکلیف محدود شد. اکنون بقیه عاصیان هرک را هیچ امید و سرمایه باقی نماند. مگر آنکه هوش خود شازرا بسرخود جمع کرده. و سخن اصحاب غرض و بدخواه را که بجهت منافع ذاتیه خودشان را راجع بپیمان انداخته. و این همه بدبختی را بسرا آنها می آوردند. بکلی از خیال خودشان بپرس کرده. در وطن مسکون و مأوی خودشان در زیر سایه پادشاهی که قطعا حامی آسایش آنها و کافل امنیت آنهاست آمده ملتجی بزرگوار عفو و صفح جهان داری آن پادشاه عدالت آگاه کردند.

دولت اتریش هم در حالتی که کار اساسا آشفته است و امروز باین درجه رسیده است. البته کار وظیفه حقوق شناسی را فعلا و علنا بجا خواهد آورد. حفظ منافع حالیه و آینده خود را مستقیما خواهد کرد. صرفه کار خود را بلاطرف ملحوظ و مرعی خواهد داشت.

کازت (فرات) که در حلب طع و شرم می شود از طبع و شراخه و وسوسه اول نسخه اول آن نظر ایشان لطفا اظهار خوشنودی و تبریک نوشته بود. لهذا مخصوصا عرض ممنونیت و شکرانه خود را کرده و درین ضمن اظهار مداریم. که از روز بد و بانشار اخبر عمره غره نسخه های آن را باندازه کازت مذکور فرستاده ایم اگر رسیده از تسامح و ساطع ایصال تواند بود. لکن درین باب قاعده دیگری پیش نهاده است که در همین نسخه بموجب اخطار مخصوص بیان آنرا کرده ایم. همچنین کازت ولایت یانیه در نسخه هفتم بحرم ۱۶۹۳ تبریک اخترا نوشته و میگوید که نمرة اول آن با آنجا رسیده است بعد از عرض شکر و امتنان از تبریک ایشان مطلب فوق را بایشان هم اظهار میکنم که نسخه های اخترا امروز برای اداره کازت مذکور

فرستاده شده است و تا آمدن جواب نیز خواهیم فرستاد.

(ایران)

مخبر تبریز می نویسد

حضرت اشرف والا ولیمهد. صاحب اختیار مملکت آذربایجان و در رکاب مبارک ایشان جناب میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان و بعضی ازاران و مأمورین بزرگ مملکت برای عید نوروز سلطانی احضار بدر بارها یون شده اند. کدو سلام عید شرفیاب از حضور اقدس همایونی شده. دستور العمل سال نورا حاصل نموده بمقر حکومت خودشان عودت فرمایند.

بعضی از پیشکاران ممالک محروسه ایران را در اول سال آینده تغییر خواهند داد.

ترتیب مجلس شورای بزرگ در طهران مقرر شده است. که اعضای آن همجده کس از شاهزادهگان عظام و چند نفر از افاغنه ارکان دولت خواهند بود. جناب میرزا علی خان امین الملک. کاز افغانم رجال دولت است. مأمور اداره امور مجلس مذکور گردیده اند. هنوز تفصیل اسمی اعضا و وظائف مقرر مجلس و منقرعات آن رسماً به تبریز نرسیده بوده است. در ثانی آنچه کسب آگاهی از این قمره بشود. در ضمن اخبار نوشته خواهند شد.

در تبریز بحسب الامر در بار همایون بکباب دار افنون بنا و احداث شده و در اوایل محرم الحرام ۱۲۹۳ بنا بوده است با حضور نواب مستطاب حضرت اشرف والاوی عهد و پیشکار مملکت و ارکان حکومت رسماً گشوده شود. در کرمان طفل شش ساله کدو چهار سالگی از آنله هر دو تخم او را بیناشده بوده است نامی فران مجید را از برگرد و حافظ شده است.

(خیبرهای نلکرائی)

انگلش

لندن ۱۰ فوریه

اوراق مخبرات رسیده که در باب خرید حصه های قتال شده است از جانب حکومت امروز به پارلمان تقدیم شده است.

جناب خدیو حقوق موسسی خود را هم خواستند بدولت انگلش بفروشند. ولی دولت مشارالیه این تکلیف را قبول نکرد. جناب لورد دربی وزیر خارجه انگلش بخیرات رسیده بیان کردند که اگر خدیو بت جلیله حق تقشیر را در قتال نداشته باشد حکم فرمان همایون در این خصوصها ابطال خواهد شد.

دولتهای اتریش و ایتالیا و المان خریدن حصه های مذکوره را با کمال امتنان تصدیق نموده اند.

(المان)

برلین ایضا

بعد از آنکه شورای ملت نظامنامه جنایت را تصدیق کرد بامر امپراطوری موقتاً مذاکرات را تعطیل نمودند.

(اٹالک عثمانیه)

(مملکتین)

بکیش ایضا

با وجود اینکه سناتو ناخوشنودی خود را تنها در حق مدیر معارف بیان کرد. کل هیئت مدیران استعفا کرد اند. جناب پرنس تشکیل هیئت جنبه مدیران را برای قرارداد رئیس و معاون ریاست حواله نمود.

ایضا

مجلس سناتو امنیت خود را در حق مسیو (فاتاریجو) رئیس مدیران بیان کرد و جناب پرنس تشکیل هیئت را عوی الیه حواله نمود. بفسیر از مدیران معارف و خارجه و مالیه مدیران سابق در هیئت جدید داخل هستند. مسیو (قارب) مدیر معارف و مسیو (بلاؤس) مدیر خارجه و مسیو (سزات) مدیر مالیه تعیین شده اند.

اتریش - مجارستان

وین ۱۰ فوریه

کمیته شورای ملت عهدنامه تجاری مملکتین را تصدیق نمود.

(اسپانیا)

مادرید ایضا

قرال در ۱۶ فوریه بمیان دوی عساکر دولتی خواهد رفت. عساکر دولتی شهر (استلا) را محاصره کرده اند. بعد از چند روز شهر مذکور را خواهند کوبید و بتوب خواهند بست.

فرانسه

پاریس ایضا

پرنس امپریال (فریتز ناویون سوم) بواسطه ورقه که در کازنها منتشر کرده است عدم موافقت خود را در خصوص انتخاب عوی خود از طرف اهالی (فورس) اظهار نموده است.

(روز هواس)

اتریش - مجارستان

وین ایضا

چون شورای ملت نابازده و زدیگر تعطیل خواهد شد. در ختام مذاکرات و کارها بسیار اتمام می نمایند. کذا اوقت همه انجام پذیر شود مسیو ستافورو فونسل جنرال و آرزان دیلوماتیک مملکتین بمدریت خارجه امارت مشارالیه تعیین شده است.

ایضا ۱۱

هیئت وکلای مجارستان بوین رسیده اند.

آلمان

برلین ایضا

پرنس بسمارک در حق کازتایی که بعضی روایتها و خنثا از جنگ تشریح کنند نطق کرده و تکذیب آنها را نموده است پرنس مشارالیه بیان کردند که صلح و آسایش عوی مأمون است.

(روسیه)

پتربورغ ایضا

کازت مسن پتربورغ پولیتیک انگلش را تحسین می کنند.

(یونانستان)

اتی ایضا

روز دوشنبه آینده شورای ملت تعطیل خواهد شد.

وکلای که برای اتهام بارتکاب حبس شده بودند. ابطال حکم توقیف خودشان را طلب می کنند.

(پورتغال)

پورسه

غلاطه ۳۰ کانوناتی روی

فروش ۲۲ ۲۲

اسهام عومیه ۲۲ ۲۲

سوسیتة جنرال ۰ ۰

شرکت عثمانیه ۰ ۰

اعتبار عومی ۰ ۰

تراوای ۱ ۶۷

فرائق ۵۴ ۵۰

استعراض ۱۸۶۳ ۱۳۲

۱۸۶۵ ۱۳۳

۱۸۶۹ ۱۲۲

۱۸۷۲ ۰۲۷

۱۸۷۳ ۱۱۱

کمیال ۱۱۱ ۵۰

لندن ۳ ماهه بهر لیرای انگلش ۱۱۱ ۵۰

فرائق ۲۲ ۷۵

پاریس بهر لیرای عثمانی ۲۲ ۷۵

فیثات مسکوکات لیرای عثمانی

از قرار صد فروش

غروش ۱۱۱ ۰۰

لیرای انگلش ۰۸۸ ۲۳

امپریال ۹۰ ۰۰

کر میچه ۰۵۳ ۰۰

مجیدیه ۱۰۲ ۰۰

بشاک ۰۰۰ ۰۰

مٹاک ۱۰۷ ۰۳

پول سیاه ۱۳۷ ۰۰

(از تئیه مقاله کیمیای زراعت)

اکنون که روشن شدن یک جسمی بواسطه تأثیر مولد
المجوسه است که بر وی جاری میشود پس هر قدر در آن
سال جزء مولد المجوسه بیشتر باشد همان نسبت
احتراق بیشتر و سریعتر و شدیدتر خواهد بود .
و همچنان هم هست . زغال و هیزم و شمع حتی آهن
در میان مولد المجوسه خالص پرورشانی زیادی روشن
می شود . اگر یکبارچه قاورا بمر یک تلخ مغول
بسته بمان مولد المجوسه بمریم خواهیم دید قورا
آتش گرفته و بسرعت می سوزد و ذرات شراره
آن مثل فستکهای آتش فشان چشم را خیره می سازد .
این یکی را هم توانیم دید آتشی که زیاده از حد در آتش
سرخ شده است همان طوریکه در میان مولد المجوسه
محترق میشود در هوای معروف نیز بهمان شدت میسوزد .
آهن که یک آهن را از کوره برون می آید . بعضی
شراره های سفید باطراف آن می باشد و این یکی بعضی
از جهت سرخ شدن و سوختن آهن است . اگر
آهن در دست دقت نکنند . آهن بهمان طور سوخته
و تمام میشود . و پس از آنکه مولد المجوسه هوا
سوخته شد پوست پوست شده ماده سیاهی
حاصل میکند که آنرا (اوکسید دوفر) یعنی حض
حدید و یک تعبیر جوهر آهن نامیده اند .

هر چند احتراقی در میان مولد المجوسه سریع و برنده تر
است ولی چون آماده کردن مولد المجوسه مشکل
است احتراق و روشنیایها با مولد المجوسه نشده
غالباً بواسطه هوای متعارفی است . و از این جهت
است که در اقیانوس و صوبه ها و فرنها و سمورها
که آتش روشن میشود ناچار است بقدر لزوم هوا
داخل شده و می عوض بشود . اگر چنانچه
هوا یک طور بماند و هوای اول رفته و بجای آن هوای
دیگر نیاید باقی و سمور و مانند آنها که هر وقت داشته
بماند خاموش میشود . و بعکس این است هرگاه هوا
سر یعنی باشد و هر قدر بیشتر بماند شود احتراق
بهمان نسبت بیشتر و برنده تر خواهد بود . البته
ملاحظه شده است زمانی که باد و نا آتش میان سمور
ریخته می شود اگر یک دود کش بلندی بر آن
گذرانند و یک چند دقیقه غفلت شود . همه آن
زغال سوخته و تمام میشود و همچنین دمای کوره
های آهنکری و زرگری و غیر آنها که پیدا است
بواسطه دم هوا تجدید شده و مولد المجوسه
زیادتر جریان می نماید و بیشتر و شدیدتر باعث احتراق
میشود .

لزم این هوای نسبی بجهت سوزاندن منحصراً نیست .
جسم حیوانات و افراد بن آدم در بقا و دوام حیات
و زندگانی خودشان محتاج این هوای نسبی هستند
حیواناتی هم که در میان آب زندگانی میکنند خارج
از این قاعده نباشند که حیوانات بحره هم برای
زندگانی خودشان مانند دیگر جانوران محتاج به هوا
هستند .

مناطق حیات بودن هوا قاعده مطلقه ایست که هر چه
مخلوق جانور یعنی ذی روح هست در تحت این قاعده
است و غلب و روز و هر ساعت و دقیقه احتیاج خود
شان را بخواص می نمایند .

احتیاج ما بخواه بیشتر و بیشتر از همه چیز است که
هر چه غیر از این احتیاجات داریم همه بعد از این است .

مشلاحتیاجی که بخوراک داریم گاه گاهی خواهد
بود حال آنکه احتیاج ما به هوا در هر آن محسوس
است .

(بقیه دارد)

طاهر

اعلامات

رساله (فوائد) نام عربی العبارة . تألیف شیخ
عظیم الشان الساطع الیهان منتم ناموس دهر مروج
حکمت حقه مولانا الشیخ احمد الاحسانی اجله
شانه . که مفتاح مطلب حکمت الهیه و با کمال
اختصار دارای معانی بسیار بلند و جامع آثار
و اطوار علم مبداء و معاد است . و در چند سال
پیش بر خست و اجازه نظارت جلیله معارف .
طبع و تمثیل شده است . در معارف کتاب فروشی
بزرگ در زیر مسافر خانه عسکریه از قرار نسخه
(۱) چار یک مجیدیه سفید فروخته میشود .

مسیوم دیوسفوریدس نام طبیب در بالایی
اوزون یارسو در نزدیکی خان اکته بی در اجزا خانه
ارکول نومره (۳۲۳) روزهای شنبه و چهارشنبه
از ساعت پنج الی هفت برای ندای و معالجه ناخوشهائی
که رجوع کنند حاضر است . و مجاناً آنها را
قبول خواهد کرد .

طبیب موسی الیه متهدی می شود . که همه اقسام
ناخوشی بواسطه برابری بهولت و تدابیر و ندای
حکیمانه معالجه نماید . و همچنین در ناخوشی معده نیز
مهارت تمام خود را ابراز خواهد کرد . و بجهت
مرضهای مزبور که حی احتیاج ترتیب کرده است .
که محل فروش آنها اجزا خانه مذکور فوق است .
و دستور العمل استعمال آنها در ورقه مخصوصه
چاپ شده در جوف قوطیه های آنهاست . قیمت
یک قوطی نیم مجیدیه است . در هر کدام از آن
ورقه ها و قوطیه ها امضای طبیب موسی الیه نباشد
ساخته و قلب است بهمین جهت دقت لازم دارد .
ش . د . پ

مریئه دوازده بند جناب سعادت مآب کاظم پاشا
میرلوا از اعضای دارشورای عسکری که بجهت
نعمت داران خاص آل عباس شهید کربلا روحی له افدا
و علیه التحیه و الثناء اثری است نوین و بواسطه ایست
برای تجدید آیین آوازین باضتمام قصیده غرای مدحیه
در حق حضرت شاه ولایت انشاء فرموده اند
اینروزها طبع شده و در دکان جلیل آغا در جنبی طاش
و حاجی حسن آقا در باغچه قیوسی فروخته می شود .

(خرابات)

مشکل با انواع قصاید و ترکیات و ترجعات و تسدیسات
و قطعات و رباعیات و غزلیات و ابیات در چهار زبان
یعنی ترکی و عثمانی و فارسی و عربی که گزیده ادبی
روم و شاعر مشهور و معلوم جناب ضیا یک افندی
از آثار اسلافی و معاصرین انتخاب و جمع و در سه جلد

درج کرده بود در دکان حاجی حسن افندی در چهارسوی
صحافان و در دکان حاجی حسن آغا تبا کو فروش
در باغچه قیوسی هر جلدی بقیمت معین فروش میشود .

محل فروش اختر

دکان جلیل آغا کتاب فروش در جنبی طاش .
دکان حاجی حسن آغا کتاب فروش در باغچه قیوسی .
دکان تبا کو فروش در افسرای نزدیک بشل طولومه .
معارفه کتاب فروشی بزرگ در زیر مسافر خانه عسکری .
در دکان جای فروشی دم در خان و اللهه .

کتاب مستطاب

(میزان الموازین فی امر الدین)
که در چند سال پیش از جانب یکی از افاضه یارین سفارت
سنه ایران . در خصوص محاکمه ادیان مختلفه ورد
بر رساله میزان الحق نام پروستاتی تألیف . و در مطبعه
عالمه طبع شده است . در معارف کتاب فروشی . در تحت
مسافر خانه عسکری در یک مجیدیه سفید فروش
میشود .

چون قبل از آنکه اختر طبع و نشر بشود بعضی
از ذوات کرام از مسائل محرمه و غیره بموجب
مکتوبهای خودشان طالب اونه شدن گردیده
و قیمت آنرا بجهت اینکه ارسال فرمایند
سوال کرده بودند . و نا جواب خدمت
ایشان عرض کنیم شروع بطبع و نشر آن شده
و بهمان تفصیل که مقرر بودند ختیه های کثیرین کرده
شد خدمت ایشان از پوسته های دریا و خشکی
ارسال گردید . و بهمان طور نیز فرستاده خواهد
شد . و قیمت سالیانه و غیره آتم در لوحه کاژت
معین و مرقوم است . لهذا پس از عرض تسکیر
بخدمت ایشان بجهت میل و التفاتی که در قبول کردن
این کاژت ظاهر فرمودند . از عموم خیر خواهان
خواهش میکنم هر کدام از ایشان بوسائل اولیه
بطوریکه خواهش فرموده اند و مقرر است وجوه
معینه اونه ها را بدار اسلطنه اسلامبول و اداره اختر
ایصال فرمایند که باعث دوام و استمرار کار
گردد .

در اداره خانه (اختر) هر نوع اوراق که بزبان
فارسی و عربی و المان و فرانسه و انگلیس و روسی
و ایتالیایی و اسپانیولی باشد بتری و ازتری بزبانهای
مذکوره ترجمه و هم نوشتن بعضی اوراق بزبانهای
مذکوره قبول میشود .

(مختاراتی اورمان)

یاخود

(فالارجید و نری)

نام رساله تبارو بزبان ترکی از جانب ملزم آن اغوب
افندی ماطوسیان طبع شده در براقه سر بل و جاهای
دیگر فروخته می شود .

رساله مذکوره در نهایت سلامت و شایان مضافه
نوشته شده . مرقی اخلاق و احوال انسانها
تواند بود .

رساله بارقه ظفر دایر بیخ اسلامبول . لیداً با آثار
وصاف که اثر خامه یکی از ادبای مشهور است در دکان
هر کتاب فروش از قرار سه غروش فروش میشود .

یک باب خانه در اسکدار در محله خردالدین در فاق
فاطری در نمره ۱۶ فروش خواهد شد خانه مذکور
در حرم و سلاطین چهارده اطاق و یک طویله و چهار
چاه آب یکی شیرین و سه دیگر تلخ و بقدر هزار
و هفتصد زرع زمین بنا و بقیه دارد هر کس طالب
باشد بمطبعه اختر مراجعت نماید .

حکاک مشهور موسیو سانچ پروسیه مدتی است
باسلامبول آمده موسی الیه هر نوع رسم و خطوط را
در نهایت خوبی و اسنادی در روی شمشاد حک و ترسیم
می نماید هر کس طالب بوده باشد بمطبعه (اختر)
مراجعت نماید

هر گونه کتب و رسائل و اوراق چه بلیتو غراف
وجه به بیو غراف یعنی با سیمه و جلی سنی و حروفی
در مطبعه (اختر) در کمال خوبی و امتیاز طبع
و قیمت و بهای مناسب و بطور مطلوب و موافق
سلیقه تمام کرده میشود و همچنین هر گونه اوراق
و اسناد برنگهای مختلف و خطوط متنوعه و نیز
رسمهای کراویز و قرون و کارت و بزیب فارسی
و ترکی و فرانسوی و دفاتر تجارت و هر نوع اوراق
رسمیه که از جانب ادارهای رسمی و دولتی امر
و سپارش داده شود در نهایت امتیاز و خوبی
طبع شده و باعث خشنودی خواهانند سپارشهای
مذکور از هر جهتی خواهد گردید . و ستمهای
لیتو غراف همه جور بزرگ و کوچک بقیمت مناسب
جهت فروش در اداره مطبعه موجود است .

کتاب گلستان افصح الشرا شیخ سعدی شیرازی
رجه اعلیه رجعه و آسمه کتابی است که در تمامی
مشرق زمین در نزد عموم اهل لسان و اصحاب ذوق
و فهم مسلم و قبول است و سزاوار بود که همچنان
نسخه مطبوعه طبع بطور بسیار خوب و طرز
مرغوب با سیمه یادگاری برای طالبان آن باشد
و مدتی بود که این معنی در نظر بود ولی اسباب این
مقصود حاضر نبود تا آنکه ده سال گذشته
از اتفاقات حسنه عالیجناب میرزا آغا الملک بصاحب
قلم که از مشاهیر خطاطان ایران است بدر سعادت
تشریف آورده و بر حسب خواهش دوستان قبول
نمودند که نسخه مذکوره را بنویسند لهذا نسخه
مذکوره در کمال نفاست و خوبی با سیمه شده بود
و چون مقصود اصلی خدمتی بمعارف بود بعد از
فروخته شدن مقدار کافی از ان از قیمتش تنزیل
شده اکنون نسخه های ان در معارف کتاب
فروشی در زیر مسافر خانه عسکریه بایزید .
و در افسرای قرب بشل طو لومبا در دکان تبا کو
فروش و در دکانهای جلیل آغا در جنبی طاش و حسن آغا
در باغچه قیوسی جلدی از قرار بیست غروش
رایج فروش میشود .

ازین گذشته چهار کله سفید
میکند . می بیند یکار
جزه ها باصلاح معروف
وجود داشت و بعضی